مردم سالاری
حاکمیت حق مردم است

مردم اگر خدا را در نظر می‌گرفتند دچار مشکلات معیشتی نمی‌شدند

صفحه۲

درخواست تضمین لغو تحریم‌های ایران پیش از مذاکرات وین

صفحه۳

شنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۰-۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ - ۱۳ نوامبر ۲۰۲۱ -سال بیستم -شماره ۵۵۷۶ - ۱۲ صفحه -۵۰۰۰ تومان

«مردم‌سالاری» لایحه دولت برای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و افزایش یارانه نقدی را بررسی می‌کند

حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی را به افزایش یارانه نقدی گره نزنید

صفحه۵

لغو قیمت گذاری دستوری خودرو به دستور رئیسی لغو شد!

«دستور رئیس جمهور» در مقابل «مصوبه سران قوا»

صفحه۲

وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش، شایعات را تایید کرد

پیش از نسبت فامیلی با زاکانی دوست بودیم!

صفحه۲

رئیس اداره بیماری‌های قابل پیشگیری با واکسن وزارت بهداشت عنوان کرد

احتمال تزریق دوز بوستر فقط با واکسن‌های ایرانی

✓ جزئیات پروتکل‌های بهداشتی الزامی برای بازگشایی مدارس
✓ اجرای محدودیت‌های هوشمند کرونایی از ابتدای آذرماه

صفحه۴

رکورد ۶ ماهه قیمت سکه و طلا شکست

صفحه۵

قطعنامه تاریخی حزب کمونیست چین اعلام شد

تثبیت «شی» در مقام «مائو» پدر چین

گروه بین‌الملل – سعید تهرانی: کمیته مرکزی حزب کمونیست چین عصرپنجشنبه پشت درهای بسته قطعنامه پیشنهادی شی جین پینگ، رئیس‌جمهوری این کشور درباره تاریخ حزب را تصویب کرد. طبق این سند، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین جایگاهی برابر با مائو تسه تونگ، بنیانگذار چین کمونیست خواهد داشت.

صفحه۱۱

سرمقاله

آیا به پایان عصر ایدئولوژی‌های اقتصادی نزدیک شده‌ایم؟

محمد آخوندپور امیری

در فضای گفتمانی امروز نظاره‌گر دو ساحت اندیشه در دو سوی میدان مناظره‌ها بوده و هستیم که از جهان غرب و بحران‌های آن و بدیل‌های احتمالی سخن می‌گویند. بخشی از این فضای گفتمانی باور دارد که جهان غرب دهه‌های متمادیست که در بحرانی عمیق فرو رفته است و دیرزمانی به طول نخواهد انجامید که این جهان از درون خواهد پاشید و باید نظاره‌گر ظهور نظم نوینی در ساحت نظام‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی غرب باشیم. در این میان از اندیشه‌های نهفته در گفتمان‌های ارزش محور و معنا کاو کنونی به عنوان بدیلی جدی برای جایگزینی گفتمان نئولیبرال غرب یاد می‌کنند و آنگاه که از قدرت این گفتمان سخن می‌گویند چشمانشان پیروزمندانه برق می‌زند و غرورمندانه تمام توطئه‌های امروزین جهان غرب را به این امر ارجاع می‌دهند که آنها نیز دریافته‌اند که بدیل جدی در برابر غرب مادی‌گرا تنها گفتمان‌های معنامحور خواهد بود.

اما در آن سوی میدان گفتمانی، اندیشمندانی قرار دارند که ضمن آنکه بارها تاکید کرده‌اند «جهان غرب دچار بحران است و این بحران به هیچ وجه کتمان کردنی نیست» اما اساساً با این نوع طرز تلقی آرمان‌گرایانه که گفتمان‌های ارزش محور و معناگرا، بدیل جدی گفتمان غرب خواهند بود به ستیزه‌ای گفتمانی می‌نشینند و این اندیشه را نوعی خوش‌بینی ساده‌لوحانه می‌پندارند. اما شاید به نوعی بازبینی تاریخ اندیشه سیاسی جهان غرب، دوره‌های بحران این جوامع و نحوه عبور از بحران‌های عظیم بتواند ذهن ما را به واقعیت امروز نزدیک‌تر کند و از حماسه‌سرایی‌های رویایی و دور از ذهن رها سازد. آنگاه که جهان غرب در دوره‌های میانه دریافت که از دل نظام‌های فئودالی و سیستم ارباب و رعیتی و جزیره جزیره نمودن محدوده حاکمیت‌ها هیچ پیشرفتی را به چشم نخواهد دید؛ آنگاه که ماکیاولی نهیبی گوشخراش بر سر ایتالیایی‌های زمانه خود سر داد که بیش از این رنج سرخوردگی ناشی از شکست‌های متعدد را به جان نخرید و ذیل حاکمیت پر قدرت، این ویرانی‌ها را درمان کنید؛ آنگاه که توماس هابز خسته از عرصه جنگ‌های داخلی در لویاتان خود شرح داد که چنانچه امنیت و آسایشی می‌خواهید باید آن را در دل یک حاکمیت پر قدرت جست‌وجو کنید و ده‌ها فکت تاریخی دیگر، همگی ذهن ما را بدین سو رهسپار خواهد کرد که از همان زمان، جهان غرب سیطره اندیشه‌های اومانیستی را در ساحت نظام فکری خود پذیرفت و راه خود را انتخاب کرد. بگذارید پیشتر بیاییم و نیم نگاهی به قرن بیستم بیندازیم. قرنی پر آشوب و خسته از دل جنگ‌هایی فرسایشی و خانمان برانداز. از تحلیل علل پدیداری آلمان هیتلری و جامعه آتومی گشته آلمان آن روزگار، از دل بحث و جدل‌های متفکرینی چون هانا آرنت، مارکوزه، پوپر و... که بگذریم، بحران‌های اقتصادی جهان غرب درس‌های بی‌شماری برای این روزهای ما دارد. یک نمونه تاریخی آن بحران دهه ۱۹۳۰ جهان غرب است که پایه‌های اقتصاد لیبرالیسم کلاسیک را به سختی در گل فرو بُرد. بحران به قدری عمیق شد که بسیاری از آنهایی که در جبهه مخالف لیبرال‌ها قرار داشتند همانند گفتارهای امروز گفتمان ارزش محور از پایان عصر ایدئولوژی لیبرالیسم در آینده‌ای نزدیک سخن می‌گفتند. اما همان نظام سرمایه‌داری، در دل خود «جان مینارد کینز»ی را متولد ساخت که در سایه نظریه لیبرالیسم مدرن، صورت جدیدی از نظام لیبرالیستی را پیش روی جهان غرب قرار داد تا از فروپاشی آن جلوگیری کند.

او که سعی کرد بخش‌هایی از ایدئولوژی سوسیالیسم و دخالت موثر دولت در امر اقتصاد را در قالب اندیشه «دولت رفاه» تئوریزه کند به خوبی توانست حداقل به مدت چهار دهه جهان لیبرالی غرب را از خطر سقوطی حتمی نجات دهد تا پس از آن اقتصاد نئولیبرال سر برآورد.

و اما امروز نیز باز شاهد آنیم که برخی از مرگ نئولیبرالیسم سخن می‌گویند. ناگفته پیداست که اندیشه لیبرالیسم در کلیت خود (چه با آن همدل باشیم و چه نباشیم) تا بدین جای کار توانسته بحران‌های پیش روی خود را با یک بازنگری اساسی در عملکرد گذشته خود و یک آسیب‌شناسی جدی از سر بگذراند. شاید همین پتانسیل و توانمندی در حل بحران‌ها باعث شد که پیش‌بینی‌های مارکس، انگلس و لنین تا به امروز محقق نگردند و اساسا ظهور اندیشه‌های سوسیالیسم تکاملی افرادی چون «برنشتاین» که بعدها در ساحت‌های متکثر اندیشه‌های چپ ظهور و بروز نمود به دلیل همین سرخوردگی از افول و سرنگونی نظام سرمایه‌داری لیبرال بوده باشد و تا آنجا پیش خواهیم رفت که هابرماس می‌گوید اساساً ذهنیت ظهور انقلاب‌های قرن نوزدهمی را از سر خود دور کنید و آن را در دل خود مدفون نمایید و مویه‌های خود را سر دهید و بجای اندیشه دودمان برافکن انقلاب سیاسی، بدنبال راه‌های آسیب‌شناسی و حل بحران‌های نظام سرمایه‌داری باشید.

نکته اساسی آنکه شکل‌گیری گفتمان‌های متعارض و متخاصم با گفتمان لیبرالیسم و نئولیبرالیسم در چارچوب نظریه انتقادی (در معنای عام آن) نیز خود محصول جهان غرب است. ظهور اندیشه‌های شالوده‌شکنانه و متن انگار پُست مدرنیسم یا رابطه قدرت- دانشی که فوکو مکرراً از آن یاد می‌کند، بازتولید زیست سیاسی- اجتماعی در دل همین نظام سرمایه‌داری است. آنچه که شاید به عنوان مهم‌ترین نکته آموزشی و بهره‌وری تاریخی، امروز پیش روی ما قرار دارد این موضوع است که جهان سرمایه‌داری، هیچ‌گاه در برابر این گفتمان‌های متخاصم، برخوردی امنیت محور و حذفی را در پیش نگرفته است و اتفاقاً حل بحران‌های عمیق خود را با بهره‌گیری از نوعی پاتولوژی (آسیب‌شناسی) عرضه شده توسط گفتمان‌های متخاصم به عمل آورده است.

نتیجه آنکه نگارنده این یادداشت نیز همدلانه با گفتمان واقع‌بینانه بر این باور است که بازخوانی تاریخ تمدن جهان غرب و نحوه مواجهه با بحران‌های عظیم از گذشته تا به امروز این جهان، ما را از آرمان‌گرایی غیرواقع بینانه ایدئولوژیک محوری که غالباً ساخته و پرداخته اندیشه‌های آرمان‌گرایانه ارزش محور و معناکاو دوران کنونی است دور خواهد نمود و ما را از بلندپروازی‌های سطحی و بدون هیچ‌گونه تئوریت تاریخی رها خواهد کرد.

خبر

امیرعبداللهیان:

توافق خوب مستلزم لغو موثر تحریم‌ها است

حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه در صفحه اینستاگرام خود نوشت: با نهایی شدن زمان برگزاری گفت‌وگوها در وین، ضروری بود که یکبار دیگر مواضع و نظرات جمهوری اسلامی ایران را به دیگر طرف‌های برجام ابلاغ کنم. به همین دلیل، طی هفته گذشته در گفت‌وگوهای تلفنی مفصل و جداگانه با وزرای خارجه ۵ کشور عضو برجام (چین، روسیه، انگلیس، آلمان و فرانسه) بر چند نکته تأکید کردم، از جمله این که دولت جمهوری اسلامی ایران با رویکردی عملگرایانه و نتیجه‌محور وارد گفت‌وگوها می‌شود و مصمم به دستیابی به یک «توافق خوب» است. اما این امر مستلزم لغو موثر و قابل راستی‌آزمایی تحریم‌ها و بازگشت طرف‌های مقابل به تعهدات کامل است. ضمنا یادآوری کردم که اقدامات و قانون‌شکنی‌های آمریکا از جمله تحریم‌های تازه این کشور ارائه تضمین‌های عینی از سوی آمریکا را به یک ضرورت غیرقابل چشم‌پوشی تبدیل کرده است. در این راستا، معاونم دکتر باقری نیز در پایتخت‌های اروپایی دیدارهایی صریح، شفاف و مفید را انجام داده است. جمهوری اسلامی ایران قصد ندارد در بن‌بست‌های باقی‌مانده از گفت‌وگوهای پیشین، بماند، ضمن این که آن را در دسترس خود دارد. معتقدم اگر طرف‌های مقابل با رویکردی جدی و مثبت وارد وین شوند، دستیابی به یک توافق خوب آن هم در کوتاه مدت امکان‌پذیر است. همانطور که بارها تاکید کرده‌ام، دولت جمهوری اسلامی ایران سیاست توسعه روابط متوازن با کشورها بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک را با جدیت تداوم می‌بخشد و مصمم است گسترش همکاری‌های اقتصادی دو و چندجانبه به موضوع برجام گره زده شود.

پایگاه خبری مردم سالاری آنلاین
www.mardomsalari.ir
روزنامه مردم سالاری
WWW.mardomsalari.ir/newspaper

پیشخوان
Pishkhan.com

از سوی جمال حاجی اسماعیلی، مدیرعامل شرکت

مهم‌ترین اهداف و برنامه‌های شرکت «بازرگانی و تجاری هدا راد» اعلام شد

✓ ایجاد بستری شفاف، سالم و انجام معاملات برد- برد

مطالعات بازارهای داخلی و خارجی، طراحی و آماده‌سازی شالوده‌های اداری، اجرایی و...

بانک و بیمه با تامین امنیت بازارهای صنایع فلزی و معدنی به عنوان محرک رشد اقتصادی ایفای نقش کنند.

جمال حاجی اسماعیلی، مدیرعامل شرکت بازرگانی و تجاری هدا راد با بیان این مطلب گفت: این مجموعه با بیش از ۲۵ سال سابقه در سال ۱۳۷۳ تاسیس و در حال حاضر با دارا بودن کادری مجرب و همکاری با شرکت‌های بزرگ داخلی از جمله کارخانه‌های فولاد مبارکه، فولاد اکسین، فولاد کاویان، ذوب آهن اصفهان، فولاد آذربایجان و... با بهره‌گیری از تخصص و تجربه نیروهای کارآمد و ظرفیت‌های مالی در عرصه بازرگانی داخلی و بین‌المللی در نقطه‌ای امن و مطمئن در زمینه صنعت فولاد به فعالیت می‌پردازد.

او گفت: هدا راد یکی از شرکت‌های پیشرو در زمینه تامین و توزیع گندله، کنسانتره، بریکت، آهن اسفنجی، بیلت، شمش، میلگرد، انواع ورقه‌های سیاه ضخیم و نازک گالوانیزه، روغنی، لوله‌های فولادی کربنی، استنلس استیل، فولادی سیاه، گالوانیزه، فولادی جوشی و اسپیرال است که با تمرکز بر تامین تجهیزات و مشاوره فنی مورد نیاز صنایع فولادی، ضمن بهره‌مندی از افراد متخصص در حوزه‌های مختلف و ایجاد ساختارهای هدفمند و روش‌های منعطف و پویا توانسته است در زمینه تامین و فروش و واردات و صادرات فولاد فعالیت چشمگیر داشته باشد.

حاجی اسماعیلی با بیان اینکه ساختار مدیریتی این مجموعه همواره در تلاش بوده تا به صورت پویا و نظاممند در توسعه و تعالی زیرساخت‌های فولادی و آهن آلات کشور ایفای نقش نماید، به ناامن بودن بازار فولاد برای تامین‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اشاره و خاطرنشان کرد: یکی از فرصت‌هایی که بانک‌ها می‌توانند در اختیار تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بازارهای داخلی بگذارند، پررنگ کردن نقش LC داخلی و مرتفع کردن زیان‌های ناشی از رواج چک و سفته‌های نامعتبر در این بازار است.

> باتوجه به فعال بودن بازار کنونی، بانک‌ها می‌توانند با شناسایی مشتریان و ایجاد اعتبارات لازم، LC سایر بانک‌ها را نیز قبول کرده و ضمن ایجاد محیطی امن برای خریداران و فروشندگان، دست خریداران را نیز در تامین مالی با ایجاد LCهای چند ماهه و حتی یک ساله باز بگذارند.

وی، عملکرد ناکافی بانک‌ها در تامین اعتبار و همکاری گسترده با سایر بانک‌ها را از نقاط ضعف این سیستم برشمرد و افزود: باتوجه به فعال بودن بازار کنونی، بانک‌ها می‌توانند با شناسایی مشتریان و ایجاد اعتبارات لازم، LC سایر بانک‌ها را نیز قبول کرده و ضمن ایجاد محیطی امن برای خریداران و فروشندگان، دست خریداران را نیز در تامین مالی با ایجاد LCهای چند ماهه و حتی یک ساله باز بگذارند. مدیرعامل هدا راد با اشاره به مویرگی بودن صادرات ایران، لزوم حمایت دولت از شرکت‌های بازرگانی در صادرات محصولات نهایی را یکی از راهکارهای بهبود بازار دانست و افزود: طبق قوانین کنونی، تنها بیش از ۹۰ درصد شرکت‌های تولیدکننده امکان صادرات محصولات را دارند و این در حالی است که شرکت‌های بازرگانی می‌توانند با عمل کردن به تعهدات ارزی و صادراتی خود در کوتاه کردن دست سودجویان نقش مهمی را ایفا کنند.

او گفت: ایجاد بستر و فضای سالم، شفاف و امن برای مشتری جهت خرید با آسودگی و آرامش، جلب اعتماد و ایفای نقش کارگزار امین درخصوص تامین کالای مورد نیاز مشتری، انجام معامله برد- برد به‌طوری که در پایان معامله هر دو طرف احساس رضایت نمایند، انجام بررسی و مطالعات بازارهای داخلی و خارجی و معرفی ظرفیت و استعداد اقتصادی و اجرایی شرکت، انجام بررسی‌های مستمر جهت انتخاب شرکای مناسب تجاری، طراحی و آماده‌سازی شالوده‌های اداری و اجرایی شرکت شامل تدوین و تنظیم روش‌ها، سیستم‌ها، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی، ایجاد چرخه تجاری صادرات –واردات در حوزه‌های انتخاب شده، توسعه کمی و کیفی منابع انسانی و تمرکز بر همکاری اقتصادی با سازمان‌ها، شرکت‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی از جمله اهداف اصلی این مجموعه است.

حاجی اسماعیلی با تاکید بر اینکه بیمه می‌تواند با فاصله گرفتن از بیمه کردن اقلامی چون خانه و ماشین و با به گردش در آوردن سرمایه‌های در گردش در مقیاس کلان، نقش مردمی پررنگ‌تری را بازی کند، خاطرنشان کرد: یکی دیگر از راه‌های تامین امنیت بازار داخلی، ایفای نقش بیمه در تضمین پروژه‌های صنعتی است.

> ایجاد بستر و فضای سالم، شفاف و امن برای مشتری جهت خرید با آسودگی و آرامش، جلب اعتماد و ایفای نقش کارگزار امین درخصوص تامین کالای مورد نیاز مشتری، انجام معامله برد- برد به‌طوری که در پایان معامله هر دو طرف احساس رضایت نمایند، از جمله اهداف اصلی این مجموعه است.

وی تصریح کرد: باتوجه به دخیل نبودن معضل تورم در تعهدات شرکت‌های بیمه، اگر این شرکت‌ها با بیمه کردن چک خریداران و فروشندگان وارد بازارهای صنعتی شوند، ضمن ایجاد امنیت فروشندگان و خریداران خود نیز از سود ناشی از معاملات صنعتی منتفع می گردند.